پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۹۱ـ۱۱۸ (مقاله پژوهشی)

No. 40, Spring & Summer 2020

تبارشناسی انگاره شیطان در تورات و قرآن کریم

سلیمان عباسی[۱]، محمدهادی امین ناجی[۲]، علیرضا دل افکار[۳]، جعفر نکونام[۴]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۱۰ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۴/۵)

چکیده

انگاره شیطان در متون دینی تورات و قرآن‌کریم همسو با مولفه‌های خداشناسی و هستی‌شناسی بازشناسی می‌گردد. هستی شیطان در پندارهٔ روایی تورات از ناهمسانی یا فقدان وحدت وجودی بهره دارد و با صورت‌بندی متفاوت، روایی طبیعی و انتزاعی و با کارکردهای گوناگون بازنمون شده است. شیطان در انگاره پیشا اسلامی از ماهیت اسطوره‌ای در ذیل رب‌الارباب پرستی خوانش شده است و دگرگونی روایی تورات از شیطان به‌عنوان موجودی آگاه، خیرخواه و با گمانه مستقل از خدا با کارکرد خاص به موجودی دوراندیش، آزماینده و فریبکار، برآمده از شیوه پیدایی و پدید آمدن تورات در روند تاریخی، همزیستی، همکنشی با تمدن‌ها(میان‌رودانی) و پیوند با نظام گفتمانی آنان است، ولی در رهیافت قرآنی با محوریت توحید، معنای نوینی از آن ارائه شده است. تبار شیطان در روایتگری تورات از ماهیت الوهی اساطیری بهره داشته و کارکرد دوگانه او برای نظم زمینی، ذیل خدای برتر قابل خوانش است، اما تبار شیطان در قرآن به عنوان آفریده خداوند و بهره‌مند از صفت اختیار با کارکرد همگون (وسوسه‌گر، گمراه‌کننده،...) روایت شده است. در این جستار با بهره‌مندی از شیوه معناشناختی همزمانی و درزمانی و مولفه‌های همبسته با آن به بازخوانی تبارشیطان از جهت چیستی و کارکردی در متون تورات و قرآن‌کریم پرداخته و تلاش شده تفاوتهای روایی آن را آشکار سازد.

کلید واژه‌ها: *انگاره، شیطان، تورات، قرآن کریم، معناشناختی، همزمانی و درزمانی*

---

۱. دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران جنوب (نویسنده مسئول)؛ 51.abbasi@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران؛ (استاد راهنمای اول) Mh_aminnaji@pnu.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران؛ (استاد راهنمای دوم) Delafkar@pnu.ac.ir
۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم؛ (استاد مشاور) jnekoonam@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

۱. مقدمه

تحول معنایی انگاره‌ها و مفاهیم در بستر تاریخ اندیشه، بـه تکـون، ثبـات و دگرگـونی محتوایی از جهت گستره و تنگنای مفهومی و یا بازآفرینی در فضای بومی و فرهنگی ویـژه را تاریخ انگاره گویند. (Lovejoy, 8) برای دریافت تاریخ‌انگـاره‌هـا، معناشناسـی واژگـانی بنیادی به همراه معنای درزمانی و همزمانی آن ضرورت دارد. در این راستا انگـاره شـیطان در فرآیند پیوستار زمانی در همکنشی با فرهنگ‌های ناهمسان در دگرگـونی معنـایی و بـا دگردیسی و بازآفرینی در صورت‌ها با کارکردهای مختلفی روبه‌رو بوده است.

روایت شیطان یهود در نظام گفتمانی عهد عتیق قابل خوانش است. عهد عتیق از زمـان تکون خود و در توالی زمانی در چالش‌های فراوانی بوده است[۱]. با رهیافت دیـن‌شناسـانه، یهودیت با پس‌زمینه چهارهزارساله با برخورداری از شاخصه‌هـای قومیـت‌گرایانـه و مـتن محورانه، هویتی همبسته با این مولفه‌ها پیدا کرده است، که برای بازخوانی تبار آمـوزه‌هـای یهود باید از متن یهودیت بهره جست. در این ساختار، روایـت‌گـری تـورات از شـیطان در نظام گفتمانی ناهمسان از معناشناختی ناپایداری بهره دارد. بنابراین به منظور ارائـه تصـویر دقیق‌تر از پیش‌زمینه‌ها و خاستگاه روایت شیطان در تنخ، نگاه اجمالی به کاربسـت انگـاره شیطان در کتاب مقدس با توجه به احوال تاریخی آن در قوم یهود ضرورت دارد. در برابـر آن روایت‌گری قرآن‌کریم از شیطان به دلیل خداشناسی و هسـتی‌شناسـی و انسـان‌شناسـی ویژه از معناشناسی پایـدار و همگنـی برخـوردار اسـت. سـاختار نظـام قرآنـی از جهـت وجودشناختی بر محور خداوند است که در مرکز هستی جای داشـته و همـه آفـرینش در زنجیره پایین قرار گرفته‌اند. در این الگو، بـودگی، کـارکرد، سرشـت و سرنوشـت آدمـی و شیطان خوانش می‌گردد. بنابراین گفتار، سوال‌های این جستار چنین صورت‌بندی می‌شود:

---

۱. یهود قدیم بر این پندار بود که تورات نگاشتهٔ موسی(ع) است، ولی تورات در درازنای قرون متمادی پدیـدار گشـته است. نخست روایتهای تورات به طور شفاهی به نسلهای بعد منتقل شد، سپس در چنـد مجموعـه نگـارش یافـت، سرانجام در سدهٔ ۵ قبل از میلاد این مجموعه‌ها در یک کتاب گرد آمد، یهودیان و مسیحیان بر این باورنـد الهـام و امداد الهی در همه مراحل تدوین تورات، همراه و یاریگر بود. (میشل، ۳۲)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

الف- تبار انگاره شیطان در متون دینی یهود و اسلام چگونه خوانش شده است؟

ب-کارکرد شیطان در روایتگری تورات و قرآن‌کریم در نسبت به خداوانسان چگونه است؟

روش این نوشتار معناشناختی در زمانی و هم زمانی با مؤلفه جانشینی و همراهی آن با رهیافت خداشناسانه و هستی‌شناسانه شیطان در نظام گفتمانی تورات وقرآن می‌باشد. در این شیوه تلاش می‌شود معنا و کارکرد شیطان در بافتار تکونی تورات و قرآن‌کریم بررسی شده و نحوه بازتاب ساحات معنایی و کارکردی آن در متون بازخوانش شده و تبار این انگاره را در روایات دو متن آشکار نماید.[۱]

۲. معنای پایه واژه «شیطان»

معناشناسی پایه واژه شیطان در بستر فرهنگ‌های ناهمسان، تاریخچه زبان‌شناختی جداگانه‌ای دارد. بنابر اقتضای این جستار با پردازش اشتقاق و صورت‌بندی‌های ناهمسان انگارهٔ شیطان در فرهنگ واژگانی عربی و غیر آن بررسی و در پی آن گوهر معنایی شیطان بازخوانش می‌گردد.

الف- واژه شیطان برگرفته از «شَطَنَ» در معنای ریسمان بلند با بافتی محکم است که با آن از چاه آب کشیده می‌شود. (فراهیدی، ۲۳۶/۶؛ ازهری، ۲۱۳/۱۱) الْمُشَاطِنُ: کسی که با دو ریسمان، دلو را از چاه آب می‌کشد. «و نَشوانَ من طُول النُّعَاسِ كَأَنَّه بحَبْلَين فی مَشْطُونَةٍ يَتَطَوَّحُ»[۲] و شعر «أَخُو قَفَصٍ يَهْفُو كَأَنَّ سَرَاتَهُ و رِجْلَيْهِ سَلْمٌ بين حَبْلَیْ مُشاطِنِ»[۳]

---

۱. پیشینه تحقیق: انگاره شیطان در آیات قرآن و متون عهدینی پربسامد است و جستارهای متعددی با رهیافت‌های گوناگون نگارش یافته است، بسان «بررسی تطبیقی تصویر شیطان در ادیان الهی» (یعقوبیان، ۵۷-۷۴) با رهیافت تطبیقی به بررسی تصویر شیطان در سه کتاب اوستا، کتاب مقدس و قرآن پرداخته؛ «شیطان در آموزه‌های قرآن کریم و کتاب مقدس» (مرزآنی، ۸۷-۱۱۰) با شیوه تطبیقی جایگاه و کارکرد شیطان را در نظام هستی توصیف کرد؛ «معناشناسی نوین از واژه شیطان» (عسگری، ۲۰۴-۲۱۹) با معناشناسی تاریخی و توصیفی در قرآن، و «تفاوت یا همسانی شیطان و ابلیس» (ممتحن و دیگران، ۱۲۳-۱۴۰) با بررسی معناشناختی پایه‌ای و کاربست آیات و روایات به همسانی یا ناهمسانی این مفهوم در متون دینی اسلام پرداخته است.

۲. مستی حاصل از چرت طولانی مانند دلو بسته به دو ریسمان است که در هوا آویزان است.

۳. زندانی گرسنه‌ای که گویا سر و پاهایش بین دو ریسمان گیر کرده باشد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

(ازهری، ۲۱۳/۱۱-۲۱۴) اشاره به‌معنای محسوس ریسمان دارد. به‌نظر می‌رسد واژه شیطان بسان واژگان دیگر در مفهوم محوری خود آرام آرام در پی کاربردهای مجازی دچار تطوّر شد. (اشتفان، ۵۴) بر این اساس کاربرد معنای شیطان در امور عینی بوده که با واسطه‌گری کارکرد شیطان در معانی وسوسه و ترفندهای ناهمسان که آدمی را به بند می‌کشد دگردیسی یافته و بازتولید ساحت معنایی انتزاعی آن بر وزن «فیعال» دور شدن از خدا خوانش گردید. معنای عینی دیگر این واژه با این ساختار در میان اعراب «سرکشی» است. عرب به اسب سرکش شیطان می‌گوید. (فیومی، ۳۱۳/۱؛ طریحی، ۲۷۱/۶؛ ابن‌درید، جمهرةاللغة، ۸۶۷/۲؛ قرشی، ۳۳/۴؛ ابن‌منظور، ۲۳۸/۱۳) معنای انتزاعی آن سرکشی در برابر خداوند می‌باشد.

ب- در ساختاری دیگر آن را برگرفته از «شَاطَ، یَشیطُ» در معنای آتش گرفت یا هلاک شد.[۱] (ابن‌منظور، ۲۳۸/۱۳؛ بستانی، ۵۱۱) باطل شد، بر وزن (فَعلان) دانسته شد. (فیومی، ۳۱۳/۱؛ طریحی، ۲۷۱/۶؛ ابن‌درید، جمهرة اللغة، ۸۶۷/۲) به‌نظر می‌رسد این معنای حسی با کاربرد معنایی شدت غضب معنایی فراعینی یافته باشد.

ج- با بررسی زبان‌شناسانه برگرفتگی آن را از «شوط» هم رایزنی می‌شود. الشَّوْط- جمع أَشْوَاط در معنای یک بار دویدن و به پایان رسیدن (فراهیدی، ۲۷۵/۶؛ فیروزآبادی، ۵۶۲/۲؛ ابن‌منظور، ۳۳۷/۷؛ طریحی، ۲۵۹/۴) در این قالب معنایی، کاربست واژگانی شیطان در قرآن به‌معنی کسی که یک بار به خط پایان رسیده، و خداوند به او «مهلت دوباره» داده است.[۲] گوهر معنایی شیطان در این صورت‌بندی‌ها، ریسمان، سرکشی، شدت حرارت و به پایان رسیدن راه می‌باشد که قابل تعمیم و دگردیسی در معنای فراعینی است. این مفهوم در عبری و کتاب مقدس «שָׂטָן/ sâtan» اسم عام و گستره معنای آن به هر دشمن و بزه‌ور آسمانی و غیر آن است. (Kelly, 1-13; Campo, 603) و واژه Ha-Satan اسم

---

۱. در این ساختار به نظر می‌آید شیطان از جهت وجودی و آفرینشی آمیخته ای از آتش باشد و با آیه «وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مارِجٍ مِنْ نار» (الرّحمن،۱۵) سازگاری معنایی داشته باشد. (راغب، ۲۴؛ طبرسی، ۵۱۶/۶؛ طباطبایی، ۱۵۱/۱۲)

۲. قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرِینَ إِلَی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (الحجر، ۳۷-۳۸)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

خاص که کاربرد آن بیشتر برای موجود بزه‌ور آسمانی/ ابلیس می‌باشد. (ایوب ۱ و۲؛ زکریا ۳) ترجمه یونانی آن «diabolos» به معنای سخن‌چین و «اپلیون» به‌معنی هلاک‌کننده می‌باشد. (هاکس، ۵۴۵)

۳. معناشناسی درزمانی واژۀ شیطان

معناشناسی درزمانی همبسته با توالی زمانی، دگرگونی معنا در آن روی می‌دهد. (صادقی و دیگران، ۷) در این رهیافت واژه شیطان و مفاهیم همگرا با آن در فرهنگ یهودی و اسلامی مورد بازخوانش قرار می‌گیرد که با تحول زمانی این واژه با گستره معنایی یا تنگنایی و باز آفرینی معنا در آن انجام شده است. در آغاز رهیافت فرهنگ عبریان درباره مفهوم شیطان بررسی گشته و در پی آن دگردیسی‌های این مفهوم در روایت‌گری تورات بیان می‌گردد.

۳-۱. بازخوانی شیطان در تورات

روایت شیطان به عنوان کهن الگو با عناصرتکرار شونده (آگاهنده، فریبنده و آزماینده) در تورات همسو با مولفه‌های بسان؛ خداشناسی و هستی‌شناختی آن، بازتعریف می‌گردد. در این انگاره وجود یا هستی شیطان در روایت‌گری تورات از ناهمسانی یا فقدان وحدت وجودی بهره دارد. ریخت انضمامی یا انتزاعی از شیطان در روایت تورات به نظر می‌رسد به دلیل تقارن زمانی و مکانی و همزیستی بنی‌اسرائیل با تمدن‌های میان‌رودانی و غیر آن و پیوند این سرزمین‌ها با اساطیرشان، همکنشی و تعاملی در فرآیند تاریخی با این اقوام انجام دادند که پیامد آن، تاثیرپذیری نظام گفتمانی اساطیری در سنت نوشتاری و شفاهی یهود بود. (هوک، ۲۳۵؛ شاله، ۳۶۸) در این پیش‌انگاره لازم می‌آید برای فهم روایت شیطان در تورات مولفه‌های همبسته با آن بسان تاریخ شکل‌گیری تورات و وجود خدا مورد بررسی قرار گیرد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

۳-۲. فرآیند شکل گیری تورات

دریافت روند تکون متن تورات چندان آشکار نیست. دانشوران تاریخی با رهیافت مطالعات انتقادی آغاز تکون عهد عتیق را روایات شفاهی با پیشینه پیدایی دین یهود به ۱۴۰۰(پ م) با زمان تقریبی تولد موسی(ع) دانسته‌اند (شاله، ۳۰۲-۳۰۹، ویل دورانت، ۳۶۳/۱-۳۶۶) که با برپایی و تشکیل دولت یهود در اورشلیم (قرن۱۰پ‌م) به صورت نوشتار در آمد. اما با بازگشت بنی‌اسرائیل از اسارت بابلی (قرن۶پ م) و جای‌گیری در اورشلیم و بازسازی بنای معبد خود و مرمت حصارهای شهر «عزرا» کاهن و کاتب بار دیگر به جمع‌آوری و تدوین شریعت (تورات) اقدام نمود. (نحمیا، ۱/۶-۵) وی متناسب با موقعیت جدید یهودیان در فلسطین (سرزمین یهودا)، قوانین و شرایع جدیدی برای آنان مکتوب می‌سازد.[۱](همانجا، ۵/۶-۱۰) تنخ[۲]مجموعه‌ای از کتاب‌هاکه شامل تورا[۳] یا اسفار پنج‌گانه به اضافه اسفار انبیا (نویئیم)[۴]و مکتوبات (کتوبیم)[۵] که از این میان تورات مهم‌ترین بخش آن است. (هوشنگی و دیگران، ۳۷)

به باور یهودیان خداوند، تورات را از طریق موسی (مشه ربنو) در پنج کتاب (سفر) به بنی‌اسرائیل ابلاغ کرده است و از این‌رو اعتقاد به آسمانی بودن تورات از ضروریات دین یهود به شمار می‌رود، و در واقع بیشتر یهودیان معتقدند تورات به هر دو صورت کتبی[۶] و شفاهی[۷] طی ۴۰سال اقامت بنی‌اسرائیل در بیابان بر موسی نازل شد و او آن را به قوم خود آموخت. (همانجا، ۳۸-۳۹)

از رویدادهای مهم پسینی در روند تاریخی تورات، ترجمه آن به زبان یونانی است. چیرگی یونانیان بر یهودیان به سال۳۳۲ (پ.م) به گستره فرهنگ یونانی در عهد عتیق

---

۱. گفته شده که فعالیت‌های عزرای کاهن و کاتب، اساس و جوهره ساختار دینی– اجتماعی یهودیان قرار گرفته و امروزه به نام «یهودیت کلاسیک» عنوان می‌گردد، تاحدود زیادی ریشه در فعالیت‌های دینی و اجتماعی «عزرا و نحیما» می‌کند.

2. Tanakh
3. Tora
4. Nevi im
5. Ketuvim
6. Torah she-bi-khetav
7. Torah she-be-alpeh

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

انجامید. (کلاپرمن، ۵۲/۲-۵۳) یهودیان در اواخر قرن چهارم (پ.م) تحت تاثیر همین فرهنگ، تورات را به یونانی ترجمه کردند و فرهنگ سنتی یهود، متأثر از یونان، بسیاری از ویژگی‌های خود را از دست داد تا بتواند خود را با فرهنگ یونان سازگار نماید و یهودیان یونان متن ترجمه نو را به اندازه متن عبری اعتبار دادند.[۱] (سیار، ۵۱-۵۲) به نظر می‌رسد چنین فرآیند تکونی متن تورات، تولید، بازآفرینی و دگردیسی مفاهیم امری اجتناب‌ناپذیر باشد.

۳-۳. خدا در پنداره روایت تورات

با رهیافت متن محورانه به کتاب مقدس دو خوانش ناهمگون از خدا دریافت می‌گردد. خوانش نخست، خدا را با سویه انسان‌انگارانه و دارای ویژگی لمس کردن، نشستن و چهره انسان که خود را بر پیامبران می‌نمایاند. این شکل خوانشی در روایت آمدن خدا در میان بندگان و سخن‌گفتن با آدمیان (پیدایش، ۲۲/ ۱۷) و آشکارسازی خود بر ابراهیم (پیدایش، ۱/۱۸-۱۵) و کشتی با بندگان (پیدایش، ۳۰/۸) و باختن و جبران آن با اعطای نبوت (پیدایش، ۲۹/۲۴-۳۲) بازنمونی از انسان‌وارگی خدا است.[۲] به نظر می‌رسد خوانش خدا طبیعی و انضمامی و انسان‌وار، نمایش‌گر هم‌حضوری و هم‌کنشی مسالمت آمیز خدایان در میان اقوام و ملل سامی و عبرانی باشد. گسترهٔ واژگانی «ال» (مفرد) و «الیم یا الوهیم» (جمع) که در میان اقوام و ملت سامی نژاد به همه خدایان گفته می‌شد، در آغاز آرامیان و در پی آن عبرانیان برای خدای واحد به کار بردند. این باور مقدمه باورمندی به خدای واحد «یهوه» در زمان موسی بوده است. (جان ناس، ۴۷) از سوی دیگر معاشرت و هم آمیزشی (با صورت‌های متفاوت، اسارت و داد و ستد) با تیره‌های همسایه که به پرستش خدایان بسان بعل و عشتروت (اشتار بابلیان) می‌پرداختند بعل پرستی با کارکرد نعمت و

---

۱. به هر روی این ترجمه به منظور استفاده یهودیان یونانی مآب اسکندریه در اوایل قرن ۳ پیشامیلاد آغاز و در نهایت در سال ۱۳۰(پ م) تکمیل گردید. (هوشنگی و دیگران، ۴۶)

۲. تمثل خدا بر موسی (خروج، ۱۱/۳-۲۳) و تصویر انسان‌وارانه خدا در تنخ به گونه‌ای متفاوت روایت شده است. (پیدایش، ۸/۳-۹؛ ۱/۱۷-۲۲؛ ۶/۱۲-۷؛ ۱۲/۲۸-۱۳؛ تثنیه، ۴۰/۳۲؛ خروج، ۲۰/۳۲-۲۳؛ حزقیال، ۶/۱-۷؛ زکریا، ۱۴/۴)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

حاصل‌خیزی کشتزارها و فزونی حیوان و انسان در میان سامیان رواج یافت.(شی‌را، ۳۰۲) در خوانش دوم تنخ، روایت خدای انتزاعی، یگانه و بی‌صورت را بیان می‌دارد. «بسان؛ یهوه خدایی است و غیر او خدایی نیست.» (تثنیه، ۴۰/۴)، «و بشنوید ای بنی اسرائیل که خدای ما یکی است.» (همانجا، ۶/۴)، «مگر نه این است که من خدا هستم، و معبودان دیگری غیر از من وجود ندارد.» (اشعیا، ۴۵/۲۱) و «به آنان سجده نکن و آنان را پرستش منما؛ زیرا من خدای خالق تو هستم.» (خروج، ۲۰/۵) و روایتهای همانند آن که خدا را با صفات کمالیه، دانایی، قدرت مطلق، قدوس، متعال، برتر، جاودان، ازلی و ابدی بازشناسی کرد.[۱] (خروج، ۱۶/۲۴؛ اشعیا، ۹/۴۲؛ لاویان، ۴۵/۱۱–۴۶؛ خروج، ۱۶/۲۴؛ ۱۵/۱۱؛ ملاخی، ۶/۳؛ تثنیه، ۳۱/۴ و۱۵–۱۶؛ مزامیر ۷۶/۴؛ اعداد ۲۵/۶؛ ارمیا ۱۷/۳۲) به نظر می‌رسد روایت ناهمسان خدا در پنداره تورات و خوانش مجازانگاری روایات تنخ، پس از آشنایی یهودیان با فلسفه یونان بود، که رهاورد چنین آشنایی، حقیقت‌پنداری سنت یهود و آمیزش روایات تنخ با عناصر فلسفی یونان بود. (کاپلسون، ۵۲۷/۶–۵۲۸) در این الگوواره، گزارهٔ خدای انسان‌وار تاویل گردید، (حنفی، ۱۶۶) و سنت تاویل‌گرایانه در بین الهی‌دانان یهودی رواج یافت و یگانگی ذات خدا و نامتناهی بودنش را از ارکان اساسی دین یهود دانسته شد.[۲]

با تطوّر مفهوم خدا در تنخ در فرآیند ناهمسان، شیطان نیز همبسته با آن در رهیافت عینی و انضمامی به انتزاعی دچار دگردیسی می‌شود و کارکردهایش در راستای خدای یگانه بازخوانش گردید. این ناهمسانی از روایت تورات درباره خدا و شیطان در سفرپیدایش به عنوان متن پیشینی با آنچه که در کتاب یعقوب و زکریا آمده مشهود است.

---

۱. به پندار برخی از الهی‌دانان یهودی و مسیحی، گزاره‌های روایی انسان‌وار مربوط به خدا در تورات، به دلیل محدودیت‌های زبان انسانی از کاربردهای فرعی زبان بسان استعاره، نمادین وتمثیلی استفاده شد. (تیلیش، ۶۹–۷۰؛ آلستون و دیگران، ۴۰ و ۵۷–۵۸)

۲. اوج تلقی توحید محورانه آموزه‌های تنخ در آثار «موسی‌بن‌میمون» و در کتاب «دلالة الحائرین» می‌توان یافت. (ژیلسون، ۵۳ و کلاپرمن، ۴۹/۳–۵۰)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

۳-٤. روایت شیطان در تورات

نیروهای شر در پنداره عبرانیان کهن بسان موجودات طبیعی جانمند[1] بوده و گستره باوری آنان در نسبت به این نیروها از سویه‌های عینی و روحانی بهره داشته ولی (شیطان) به عنوان نیرویی واگرا در برابر یهوه جای نداشته است. بازتاب این انگاره در تورات با گونه‌های متفاوت بازنمونی از کنش‌گری روایت‌گران در توالی زمان می‌باشد. همکنشی با همسایگان و تیره‌های ناهمسان (اسارت در بابل) این مفهوم کاربستی تورات را دچار دگرگونی کرد.[2] در این راستا مفهوم و کارکرد شیطان همبسته با مفهوم خدا در قالب انضمامی، عینی و انتزاعی صورت‌بندی گشت. افزون بر آن الوهیت و قدرت پنداری شیطان در دخالت در ساحات گفتاری و رفتاری آدمی در این بخش از روایت‌گری تورات نمایی از بینش دوگانه‌گرایی پسازرتشتی البته با رهیافت نیک اندیشی درباره انسان است.[3] روایت‌گری اسفار پنج‌گانه عهد عتیق از شیطان با روایات پسینی آن بسان صحیفه زکریا و ایوب ناهمگون می‌باشد. نخستین گزارشی که در عهد عتیق درباره شیطان بیان شده، مربوط به باغ عدن است (پیدایش، ۱/۳ـ۷؛ حزقیال، ۱۳/۲۸). او در این باغ به شکل مار ظاهر شد و حوّا را فریب داد.[4] در این روایت شیطان در قالب حیوانی است که آگاه، خردورز و انسان‌وار خواستار هوشیاری، خرد و معرفت آدمی است.[5] در این روایت زندگی آدمی در بهشت با اندیشه‌ای خالی از تقابل و دوگانگی است اما با خوردن درخت معرفت آدمی وارد

---

1. Animalism

۲. در باور برخی، آموزه‌های جنّ، شیطان و فرشته از باورهای یهودیان نبوده است، بلکه از آموزه‌های وارداتی در همکنشی با تیره‌های بسان بابلیان و در پیوند با دین زرتشتی ایجاد شد. (انس امیرکانی، ۳۸۷/۱؛ مبلغی آبادانی، ۲۳۵/۲)

۳. در مزدیسنا- آئین زرتشتی پیشینی- هستی دو نیروی (سپند مینو- خرد مقدس- و انگره مینو-اهریمن- (گاهان، یسنای ۴۵، بند۲) از جانب اهورامزدا آفریننده هستی است. (دوست خواه، ۵۱) این باور مزدایی در گذر زمانه دچار دگرگونی با قالب دوگانگی در آفرینندگی شد. (فرنبغ دادگی، ۳۳-۳۸)

۴. در پندار برخی روایت فریبندگی شیطان در تورات کنونی را از نوشته‌های پسا اسارت بابلی دانسته شد. (هوردرن، ۳۶ـ۳۹ و ۵۴ـ۵۹؛ باربور، ۱۳۰-۱۳۱؛ یوسفیان، ۲۵۴)

۵. روایت‌گری تورات از فریفته شدن آدم و حوا توسط مار - در دهان مار یا به شکل مار- (پیدایش، ۱/۳-۱۴) با معانی دشمنی (شیطان برگرفته از عبری یا سریانی «هاشتطین» در معنی «دشمنی») (خزائلی، ۷۸) و سخن چین (شیطان ترجمه یونانی «دیاپولس» به معنی «سخن چین» (هاکس، ۵۴۵) همسازی دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

مرحله تفکر دیالکتیکی شد و زمانی که میان خود و خدا احساس تقابل نمود خود را از خدا پنهان کرد و از بهشت که دنیای وحدت بود خارج گردید. (کمبل، ۸۱) سنخ روایت آغازین تورات (اسفار پنج‌گانه) خدا را دشمن آدمی دانسته که در پی فریب انسان و بازداشتن او از ویژگیهای بی‌مرگی، دانش و معرفت بهره دارد. در این الگوی روایتی، شیطان موجودی خیرخواه و جویای رهیدگی آدمی از فریب خدا می‌باشد و تلاش وی در جهت برخورداری از شاخصه‌های جاودانگی و آگاهی است. در این کشاکش شیطان با تدبیری خود را به حوا همسر آدم در بهشت نزدیک می‌کند و وی را از فریبندگی خدا آگاه می‌کند. در روایت‌گری تورات کارکرد شیطان در قالب «مار» آمده که با گفتگوی میان وی و حوا ساماندهی شده است. مار به حوا می‌گوید: شما نخواهید مرد اما خدا می‌داند روزی که از آن بخورید چشمان شما باز شود و بسان خدا به نیک و بد آگاهی می‌یابید. (پیدایش، ۳/۴–۵) در این روایت حوا فریفته فریبندگی شیطان می‌شود و میوه ممنوعه در نظرش خوشایند و دل انگیز می‌نماید؛ و با خوردن آن خود و همسرش با نهیب خداوند روبه رو می‌شوند. هرچند در روایت‌گری تورات، خداوند از این کنش‌ها آگاهی ندارد.[۱] (پیدایش، ۳/۱–۷)

تنخ در ادامه روایت‌گری خود سنخ ناهمسان دیگری از شیطان را بازنمون می‌کند. در این روایت شیطان افزون بر همنشینی و حضور در آسمان و در پیشگاه خداوند (ایوب، ۶/۱–۸) درباره یکی از برگزیدگان (ایوب) با یهوه مناظره می‌کند. (ایوب، ۸/۱) سنخ روایی تورات با دگرگونی، از کارکرد شیطان او را به موجودی موذی و بداندیش که در پی بدخواهی آدمیان بازخوانش می‌شود. تورات با روایتی ایوب را بهره‌مند از گستره نعمت و رفاه، انسانی کامل و راست کردار که شایسته بالیدن بازشناسی می‌کند. (ایوب، ۱/۱–۶) شیطان بهره‌مندی ایوب از فزونی نعمت و رفاه، آن را انگیزه راست‌کرداری و اجتناب‌ورزی از گناهان دانسته است و خداوند در این گفتگو همه دارایی ایوب را به شیطان می‌دهد و از

۱. در روایت تورات خدا در باغ به دنبال آدم و حوا می‌گردد ولی آنان را نیافت و پرسید که کجا هستند و چرا پنهان شده‌اند. هنگامی خدا از داستان آگاهی یافت از حوا پرسید چرا از میوه ممنوعه خوردی؟ وی در پاسخ، علت را اغوای مار معرفی می‌کند. (پیدایش، ۳/۸–۱۳)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

وی می‌خواهد دستش را بر خود ایوب دراز نکند. (همانجا، ۱/۷-۱۳) روایت‌گری تنخ در داستان ایوب در پی کارکرد شیطان در آیات پیشین با بسامدی در باب دوم ادامه می‌یابد. در آزمون دوم، تورات دوباره به گفتگوی خدا با شیطان در پیش پسران خدا روایت می‌کند. در این گفتگوی خداوند از شیطان می‌پرسد در مورد راست‌کرداری، خداترسی و اجتناب‌ورزی ایوب از گناهان اندیشیده است و از خدا می‌خواهد که ایوب را به وی بسپارد و خدا ایوب را به شیطان وامی‌گذارد؛ البته حفظ جان ایوب در این گفتگو لحاظ گردید. در ادامه گفتگوی خداوند با شیطان، وی از خداوند می‌خواهد توجه خویش را از سلامتی ایوب دریغ کند و خداوند این درخواست را پذیرفته ولی از وی می‌خواهد جان ایوب را حفظ کند. شیطان ایوب را در ساحات گوناگون وجودی مبتلا می‌سازد. (همانجا، ۱/۲-۱۰) البته در این گفتگو، گزاره‌ها بسان گزاره‌های پیشین خداوند از نبود شیطان می‌پرسد «کجا بودی؟» گویا از آمد و شد وی آگاهی ندارد. چنین ماهیت بدسرشت و گمراه‌کننده در صحیفه زکریا بازنمون می‌شود. «آنگاه او یِهوشَع کاهن اعظم را به من نشان داد که در حضور فرشتهٔ خداوند ایستاده بود. و شیطان به جانب راست یِهوشَع ایستاده بود تا او را متهم کند. (زکریا، ۲/۳) خداوند به شیطان گفت: «ای شیطان، خداوند تو را توبیخ کند! ... آیا این مرد چوبِ نیم‌سوزی نیست که از میان آتش برگرفته شده است؟» (زکریا، ۳/۳)

تورات در گزارش دیگر سنخ بدخواهی شیطان را در روایت داود نبی درباره شمارش مردان جنگی به دست شیطان و فریفته شدن وی از سوی شیطان پی‌گیر می‌شود. (کتاب اول تواریخ، ۱/۲۱-۵)

کارکرد شیطان در روایت‌گری تورات یادآور نقش دوسویه «ایزد اِنکی»[۱] در ماجرای طوفان است. ایزد اِنکی از یک طرف برای نابودی انسان در اجتماع خدایان شرکت کرده و توصیه‌هایی برای نابودی انسان‌ها ارائه می‌دهد و از سوی دیگر با آشکار کردن اسرار ایزدان نقش حامی و هدایت‌گر را برای اتره خسیس (نوح اکدی) به نمایش می‌گذارد؛ که

۱. Enki یکی از خدایان سومر که حامی شهر اریدو بود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

چگونه از عذاب طوفان برهد. کنش متضاد ایزد انکی (گری، ۵۵) در برابر سایر خـدایان و انسان در روایت تورات از شیطان به صورت دور اندیشی و تدبیرگری و گمراه‌کنندگی برای انسان بازتولید می‌شود.

٤. معناشناسی همزمانی واژه «شیطان»

معناشناسی همزمانی فهم معنا بدون میانجیگری زمان است و تمام متن در یـک بخـش زمانی پنداشته شده و خوانش می‌شود. این روش با پیروی از قوانین زبان‌شناسی در حـوزه معناشناختی، نسبت‌های معنایی متن را تحلیل می‌کند. (نصرتی، ۷) فهم و بازشناسی معنـای شیطان با انگارهٔ همزمانی، حوزهٔ معناشناختی آن همبسته با دریافت معنای دیگـر واژگـانی است که با آن در پیوند هستند. در این شیوه واژه شیطان در هم کنشـی بـا برخـی واژگـان بسان «مار» به‌عنوان مؤلفه باهم‌آیی (جانشینی) در پی آشکارگی معنا است.

٤-١. واژه مار به عنوان جانشین شیطان در تورات

پی‌جویی تطوّر معنایی شیطان در توالی زمانی، گرچه فهم ایـن انگـاره را ناپایـدارنموده است اما با رهیافت بینامتنی، دگردیسی معنایی آن قابل دسترسی می‌باشد. روایت تورات از شیطان در سفر پیدایش (۱/۳-۱۴) در قالب مار «נחש» و توصیف آن به ویژگی زیرکی[1] و فریفتن حوا، نمایی از جانشینی شیطان در این روایتگری است. پژوهش‌های زبـان‌شناسـی، اسطوره‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخی و دینی نشان از آن دارد کـه مـار بـا صـورت‌بنـدی ناهمسان در دنیای اساطیری (هند و اروپایی، آریایی و میـان‌رودانـی) بـه‌گونـه موجـودی فراطبیعی با شخصیت دوگانه[2] در طبیعت و وجود آدمی با نیروهای متفاوت گسترده بود کـه با دگردیسی در ادیان دیگر راه یافت. (بهار، ادیـان آسـیایی، ۳۶-۳۹، همـو، جسـتاری در

---

۱. زیست مار در زیر زمین که از مظاهر ارواح مردگان است بسان آنان آگاه به رازها و منشأ حکمت و دانای شـمرده می‌شود. (الیاده، ۱۷۲)

2. Dualism

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

فرهنگ ایران، ۲۳۹-۲۴۰) ارجمندی و نفرت، جذابیت و وحشت، پیوند پیوستار با ارواح نیاکان[۱] جهت یاری‌گرفتن از آنان (دوبوکور، ۴۱)، بی‌مرگی و آگاهی (کمبل، ۷۵) از شاخصه‌های این انگاره به‌عنوان کهن الگو می‌باشد. پندارهٔ مار در فرهنگ باوری میان‌رودانی[۲] با کارکرد مثبت، یاری‌رسان، دورکنندهٔ آدمیان از نیروهای شیطانی، باروری زمین و دگرگونی ساختار وجودی وی بسان پوست‌اندازی نشان بی‌مرگی و پیچش او بر درخت نمادی از نگهبانی بود (قائمی‌منش، ۵۴) که به قلمرو خدایان رسیده بود. (مظفری، زارعی، ۹۱) اندام‌گونگی خدایان میان‌رودان در قالب مار (Thorkild, 1968, p104) نشان از تاثیر کارکرد آن در دنیای کهن است. در اساطیر آفرینش میان‌رودانی (سومری) تیامت خدای آب شور و خدای آفریننده اندامی مارگون داشته و نیز در انوماآلیش (آفرینش بابلی) فرزندانش نیز چنین بودند. (Thorkild,104) کارکرد مار در داستان گیلگمش، که قهرمان روایت با دشواری گیاه حیات را یافت و مار با بلعیدن آن زندگی جاوید پیدا کرد. (گریمال، ۴۲) نمونه‌ای از تداعی کنش‌گری مار در روایت پیشاتوراتی است.[۳]

مار در کهن باوری ایرانیان به عنوان ایزدبانویی دارای قدسیت، نشانه حیات، باروری، شکوه و اقتدار و نقش مایه تمدن ایرانی (بسان عیلام) پرستش آن در هزاره چهارم تا هزاره اول پیشامیلاد گسترده بود (گدار، ۱۵؛ هینتس، ۴۷-۴۸؛ پیر، ۱۶-۳۴) در فرایند زمانی

---

۱. در اساطیر ایرانی اهریمن در قالب مار از بخش زیرین آسمان که در زیر زمین جای دارد بیرون می‌آید و زمین را پر از مار و دیگر خرفستران (اهریمن) کند. «او (اهریمن) خرفستران را بر زمین هشت. خرفستران گزنده و زهرآگین، چون اژدها و مار و گژدم و چلپاسه و سنگپشت و وزغ، آن گونه از او تنومند پدید آمدند که به اندازه تیغ سوزنی زمین از خرفستران رها نشد.» (فرنبغ دادگی، ۵۲)

۲. در اساطیر میان رودانی (بابلی) کینگو/Kingu معادل مار است. (کویاجی، ۲۶۰-۲۶۱) اسطوره تیامت Tiamat در میان‌رودان نام مار یا اژدها که زاینده جهان انگاشته می‌شد. (تاوارتانی، ۱۵۲)

۳. باوربه مار در اسطوره آفرینش گیتی مصریان هم دیده می‌شود که آغاز آفرینش تاریکی اقیانوس از آب ساکن نون وجود داشت وهراس از افتادن نون از آسمان به زمین که توسط خدایان روی داد تنها بازماندگان (آتوم و اوزیرس) در شکل مار بودند. (ویو، ۸) مار در پنداره هندوان در هزاره سوم پیشامیلاد که به باروری همبسته می‌دانستند (ایونس، ۱۴) و مارپرستی (ویل دورانت، ۴۵۹، ۴۵۶) و کاربرد واژه ناگا برای نامگذاری افراد (Elgood, 234) نشان از اهمیت این موجود در باورهای هندوان است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

افزون بر دگرگونی جنسیتی[۱] در دو الگوی متضاد میراننده و زاینده متغیرگشت. (تاوارتانی، سمبل‌های جاودان در ادبیات فارسی و ژاپنی، ۱۲) کاربرد واژه مار در فارسی و پهلوی معادل سانسکریت Mara در معنی میراننده (Monier, 811) در اوستایی mairya در معنای فریبکار و ریشه Mar اوستا و فارسی باستان در معنی مردن و پهلوی آن mar نابکار و بدخواه است. (Bartholomae,1151) کارکرد مار در این تمدن دورکنندهٔ نیروهای اهریمنی و پیچ‌وتاب بدنش نمایی از جریان آب تا خدای آب زیر زمین، نگهبان عالم مردگان که بی‌احترامی به او مایه از بین رفتن زندگی تلقی می‌شد. (موسوی، ۱۲۷) در پندار برخی نام شهر شوش«ششا[۲]» در معنی «باقی و جاودان» نام ماری با عنوان «ویشنو»[۳] از ایزدان هندو است. (تاواراتانی، سمبل مار در متون کلاسیک فارسی، ۱۶-۱۸) در باور برخی مارپرستی در میان‌رودان و ایران رواج داشته است. در اساطیر ایران از میان دیوان، اژدهاک یا ضحاک/ Azhi Dahaka دروجی (باد تند) نیرومند برای نابودی جهان راستی که اهریمن آفریده است. (یسنا، یسنه۹، بند ۸) نام آغازین وی اژی(در سانسکریت اهی) به معنی مار است. (یشت‌ها، یشت۱۴، بند ۱۸۸-۱۹۰) و در نماد ایرانی اهریمن در زمان تباهی و زیان‌رسانی به ریخت مار تجسم می‌یابد. (کزازی، ۱۰-۱۲)

پی‌جویی تطوّر معنایی شیطان در توالی زمانی هزارگان فهم این انگاره را ناپایدار نموده که با رهیافت بینامتنی دگردیسی معنایی آن در امور منفی و ناخوشایند قابل دسترسی است. در این تحولات ناپایدار معنای شیطان و کارکرد آن از خوشایندی به ناخوشایندی و به طورکلی امور منفی بازتولید شد. (قائمی‌منش، ۵۴) افزون بر آن عرب واژه «الحی» را شیطان می‌خواند (جاحظ، ۱۹۸/۱) برای ماری به کار می‌برد که دارای مو(یال) است (ابن‌منظور، ۲۳۸/۱۳) و نیز به مار خطرناک «شیطان» یا «شیطان الحماطة» می‌گفتند. (ابن‌ناقیا، ۷۰) کاربست واژه «الحیاة» در معنای زندگی اشاره به نمادگرایی مار در شدت

---

۱. شاید تغییر ساختار هستی از سوی خدایان، از جایگاه مادر مرکزی به پدر مرکزی در پیشاتاریخ، به سبب پیروزی مردوک بر تیامت(مارگون) کنار نهادن مادر خدایان و بخشیدن چهره اهریمنی به ما هم پیوند باشد.(طاهری، ۱۵)

2. sesa
3. visnu

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

وابستگی به مفهوم زندگی خوانشی انتزاعی است. (شوالیه، ۶۱) شاید کهن الگوی – مـار – در خوانش نام‌های قبیله‌های عرب بسان بنوحیّه، بنوافعی و بنوخش – از شاخه‌های قبیلـه اوس– نشان از توتم بودن آن در میان سامیان باشد. در این نگره این گمانه تقویت می‌شـود کاربرد واژه «شیطان» به عنوان اسم خاص برای افراد و قبایل هم ریشه توتمی داشته اسـت. (جفری، ۲۸۲).

مار در انگاره ادیان ابراهیمی اهریمنی و موجودی نکوهیده اسـت کـه یـاریگر شـیطان است و در سرپیچی از دستور الهی مورد نفرین خدا قرار می‌گیرد. «پس خداوند خدا به مار گفت: چون این کار را انجام دادی، از همه بهایم و از همه حیوانات صحرا ملعون‌تر هسـتی. برشکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد و عداوت میان تـو و زن و در میان ذریت وی می‌گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبیـد. (پیدایش، ۱۴/۳–۱۵)

بازخوانش کارکرد شیطان درکاربرد واژه شیطان و همنشین‌های آن در روایت‌هـای یـاد گشته، می‌توان این گمانه زنی را داشت که شیطان موجود واقعی و عینی با کنش‌گری ویـژه و پاسخگو به خدا می‌باشد و حوزه فعالیت وی محدود بـه انجـام دسـتورات خـدا کـه بـا یاری‌گری فرشتگان و دیوها همراه است و امور نهانی او برای خداوند آشکار است. در این رهیافت تبار شیطان با بهره‌مندی از وجودی عینی و همگرا با دسـتورات خـدا بازشناسـی می‌شود که برای راستی‌آزمایی انسان در ساحات وجودی با جنبه‌هـای فـردی و اجتمـاعی است و همراستا با فرمان‌پـذیری از خـدا، توانمنـد در تصـرف و فریفتگـی آدمیـان بـرای راستی‌آزمایی آدمیان در ساحات گونـاگون فقـر و غنـا، خوشـی و ناخوشـی تـن و روان، بهره‌مندی و بی‌بهرگی از نعمت‌ها و رفاه می‌باشد.

٤-۲. شیطان در پیشا قرآن

درک واقعیت عینی دوران کهن عرب/ پیشا اسلام، از جهت بودگی، به سختی (به دلیـل

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

کمبود منابع نوشتاری) در معرض اندیشه‌ورزی آدمی قرار دارد، اما با بهره‌مندی از قرآن‌کریم و نوشتار روایی پسااسلامی می‌توان به طور حداقلی گمانه‌زنی کرد. نظام جاهلی[۱]، با نقص‌های معرفتی و محدودیت دانشی درباره انسان و طبیعت به گستره خیال روی می‌آورد و با ناتوانی در بازشناسی هستی الهی و طبیعت انسانی، عواطف و احساسات انسانی را با فرافکنی و تعمیم ناروا به خدا نسبت می‌داد. تصویر انسان انگارانه خدایان اساطیری رایج در سرزمین عربستان، و باور به خدای برتر بازنمونی از نظام عبودی اعراب بدوی است. دوران جاهلی، شیوه زیستی را تصویرگری می‌کرد که سراسر زمانه زندگی با پیشامدهایی همراه بود که از قواعد فراطبیعی پیروی می‌نمود. این شیوه زیستی همبسته با تنوع پرستش بسان چندگانه‌پرستی با اشکال گوناگون، پدیدارهای جمادی، اجرام آسمانی، (حموی بغدادی، ۲۳۵/۲-۲۳۶) نمود جانوری، گیاهی و امور کیهانی در سایه رب‌الارباب پرستی خوانش می‌شود. (فیومی، ۵۱۹/۱-۵۲۰) قرآن‌کریم در واکنشی، باورهای اعراب پیشااسلامی را درباره امور کیهانی بیان می‌دارد: «**وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ**». و برای خدا شریکانی از جن قرار دادند با این که خدا آنها را خلق کرده است و برای او بی هیچ دانشی پسران و دخترانی تراشیدند او پاک و برتر است از آنچه وصف می‌کنند. (الانعام، ۱۰۰) در پنداره عرب جاهلی فرشتگان همان ارواح بودند که پرستش می‌شده است. «**وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ**». و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می‌کند آن‌گاه به فرشتگان می‌فرماید آیا این‌ها بودند که شما را می‌پرستیدند. (سبا، ۴۰) شاید این باورمندی در همنشینی با یهودیان در میان اعراب رواج یافته باشد. (فیومی، ۵۲۰/۱) با رایزنی‌های ناهمگون بسان برگرفتگی از روایت‌ها و اعتقادات ملّت‌های همسایه که در کنش و دادوستد با این قوم بودند و یا ترس و تشویش عربهایی که در صحراها و

---

۱. دوران جاهلیت در قرآن به پیشااسلام و نحوه اندیشه و منش گستره آن دوره گفته می‌شود. مفهوم این واژه در گمانه‌های بسان در برابر حلم (عمرفروخ، ۷۳/۱)، سفاهت، خشم، تکبر و افتخار بی‌جا (احمد امین، ۶۰) یا شامل پدیده‌های خشونت و درندگی، استبدا و خودپرستی (بلاشر، ۴۵) یا برابر عقل و منطق و نوع زیسته (پیشوایی، ۶۵) قرار دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

بیابان‌ها به صورت تنها و وحشت زده زیست داشتند، می‌توان باورمندی اعراب پیشااسلام را درباره شیطان و سنخ های باوری آنان را پی‌گیری نمود. باور به ماهیت عینی شیطان در زیسته مردمان عصر پیشاقرآنی در ادبیات شعری و آیات الهی بازنمون شد. در پنداره اعراب کهن شاعران از نیروی آسمانی بهره داشته که در سرایش شعر آنان را یاری می‌رساندند. (فیومی، ۵۱۹/۱) نیروهای آسمانی در این انگاره پیوند نهانی استواری میان شیطان و شاعر برقرار می‌کردند. در روایت قرآن‌کریم پیوند نهانی شیطان با شاعران را در عرف اعراب را بازتاب می‌دهد «**هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ**». آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می‌آیند بر هر دروغزن گناهکاری فرود می‌آیند. (شعراء، ۲۲۱-۲۲۲) و اشعار جاهلی انگاشته‌های اعراب را که هر کدام از شاعران را شیطانی همراهی می‌کند، بازنمایی می‌کند. «ولی صاحبٌ من بنی الشیصبان فطوراً أقول و طوراً هوه» من دوست و همراهی از طایفه بنی شیصبان (طایفه جنیان) دارم گاهی من شعر و گاهی او شعر می‌گوید. (آلوسی، ۳۶۵/۲) و «دعوت خلیلی مِسحَلاً[1] و دَعَوا له جُهُنامَ جدعاً للهجین المذمم» دوستم مسحل را فراخوانم و به خاطر او آن‌ها جهنام را [به عنوان فردی] بی‌اصل و فرومایهٔ مذموم خواندند. (جاحظ، ۴۳۳/۶)

همنشینی با شیطان و داوری او میان شاعران جهت داوری شعر و ترجیح شعر، نمودی از کارکرد آن را در میان عرب پیشا اسلام است.[2] (القرشی، ۴۹/۱-۵۰؛ فوزی، ۱۰-۱۲) شاعران از زبان جن اشعاری می‌سرودند و و شیطان‌ها با شاعران به زبان شعر سخن می‌گفتند. ابوالعلاء در رساله الغفران از دیدار آسمانی شیخ (ابوالحسن علی‌بن‌منصور حلبی معروف به ابن‌القارح) با جن (الخیثعوری از قبیله بنی‌شیصبان) و هم‌سخنی آنان درباره شعر سخن گفته است. (معری، ۷۵/۱) بیان ویژگیهای مرکب‌های جنیان در سفرها (جاحظ،

---

۱. مسحل نام شیطان اعشی ست و جهنام نام کسی است که اعشی او را در این قصیده هجو کرده است.

۲. ابن مروزی روایت دیدار شاعری در بیابان با جنی به نام مسحل و درخواست شعرخوانی از شاعران بسان امروالقیس، نابغه ذبیانی، اعشی ودیگر شاعران و همنشینی با او را پیشا اسلام آورده است. (القرشی، ۴۸/۱-۵۰) روایت سفر اعشی برای دیدار با قیس بن معدیکَرِب در حضرموت وکه به دیدار شیطان (مسحل) می‌انجاند. (آلوسی، ۳۶۲/۲-۳۶۸).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

۳۴۰/۶) و آشکار شدن جنیان در میان اعراب و همزیستی با آنان، نموداری از زیسته عرب بود. (همانجا، ۴۸۲/۴) این همزیستی در فرهنگ عرب چنان رخنه کرده که نجابت و ذکاوت افراد با هم‌پیوندی با جن دانسته می‌شد. تعبیر عبقر برای شاعران نمایی از چنین پیوندی است. در این الگو عبقر محلی در بادیه بود که جنّ بسیار داشت به گونه‌ای که گفته می‌شد: «کأنّهم جن عبقر»؛ آنان مانند جنّ عبقر هستند. در ادامه باید افزود که کاربست انگاره جنّ و شیطان در یک معنی هم رواج داشت و ادبیات شعری پیشا اسلام این هم معنایی را بازخوانش کرده است. «إنّی و کل شاعر من البشر شیطانه أنثی و شیطانی ذکر» در این بیت افزون بر هم‌معنایی شیطان و جن جنسیت و کارکرد آن هم بیان می‌نماید. (جاحظ، ۱۹۸/۱؛ رازی، ۳۶۶/۱۴)

در پنداره عرب جاهلی از گستره کاربرد انگاره غول به عنوان آفریده شیطان که کارکردش فریبکاری، تلوّن، تغییر و دگرگونی شهره قابل پی‌جویی است که با دگردیسی در معنای انتزاعی در ادبی جاهلی بازتولید شده است. «**فَاجْعَلِ الْمَوْتَ نُصْبَ عَیْنَیْکَ وَاحْذَرْ *غَوْلَةَ الدَّهْرِ إِنَّ لِلدَّهْرِ غُولًا**» مرگ را هماره در برابر خود (آماده) قرار ده و از غول روزگار حذر کن که زمانه غولی با خود دارد. (ابن‌کثیر، ۲۸۶/۲) شعری که طریف‌بن‌ابی‌وهب العبسی در رثای فرزندش سروده «**وَفِی الأَرْض للأقوام قبلک غول**» مردمان را پیش از تو بر روی زمین، غول‌هایی بوده است. (التبریزی، ۴۴۳/۱) نمونه‌ای از کاربرد غول در معنای انتزاعی است. کاربرد شیطان در معنای مار به عنوان کهن الگو نیز در اشعار این دوره مشاهده می‌گردد. «عنجرد تحلف حین أحلف کمثل شیطان الحماط أعرف» زن سلیطه‌ای سوگند می‌خورد هنگامی که من قسم می‌خورم مثل مارهای تاجدار که در درخت حماط منزل می‌کنند. (فراء، ۳۸۷/۲) در این گزاره شعری، واژه شیطان در معنایی ویژه و برای سرزنش مردی از همسرش به کار رفته است. صورت تشبیهی واژه شیطان بسان شعر: «تلاعب مثنی حضرمی کأنّه تعمّج شیطان بذی خروع قفر» بر پشت شتر حضرموتی همچون پیچ و تاب خوردن مارها در بیابانی که گیاه خروع در آن روییده باشد، به خود می‌پیچند. (ابن‌قتیبه، ۲۲۴؛ ابن‌ناقیا، ۷۰؛ جاحظ، ۱۹۸/۱)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

گستره حضور شیطان در فرهنگ سامی چنان گسترده بود که به عنوان اسم خاص افراد انسانی هم به کار گرفته می‌شد. (جفری، ۲۸۲) نام هایی بسان الشیطان‌بن‌عوف‌بن‌النخع (ابن‌حزم، ۴۱۶) معاویةبن‌الشیطان‌ابن‌معاویة (ابن‌حزم، ۲۰۸) عاهان‌بن‌الشیطان (ابن‌درید، الاشتقاق، ۴۰۱) و شَراحیل‌بن‌الشَّیطان‌بن‌الحارث (همانجا، ۴۰۶)

جن‌پرستی نیز بسان سایر دین‌های دیگر در بین مردم عرب رایج بود.«**إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**». در حقیقت کسانی را که به جای خدا می‌خوانید بندگانی امثال شما هستند پس آنها را [در گرفتاریها] بخوانید اگر راست می‌گویید باید شما را اجابت کنند. (الاعراف، ۱۹۴) حلول شیطان در جسم آدمی، افزون بر باور قدرتی همپای خدا که شایستگی پرستش دارد (وکیلی، ۱۰۶-۱۲۶) برای افراد با اختلالات روانی و عصبی هم به کار می‌رفت. (احمدحسین، ۱۹/۳-۲۷)

بنابراین گفتار پیوند شیطان، جن و غول در زیست اعراب پیشا اسلام یادآور کهن باوری میان‌رودان می‌باشد. بر اساس شکل گفتمانی اساطیر میان‌رودانی که مبتنی بر هستی‌شناختی کهن است، ساحات گفتاری و رفتاری انسان بدوی (گیتیانه)، بازنمونی از رفتار خدایان (مینوی) است و انسان کهن متناسب با الگوی مثالی/ نمونه ازلی، رفتارش را تقلید می‌کرد؛ (الیاده، ۴۹-۵۰) رفتار جامعه کهن نیز نوعی بازآفرینی رفتار ایزدان به صورت مقلدانه و تکرارپذیر بود. گسترده بودگی شیطان در زیست انسانی و دخالت‌گری آن در ساحات گفتاری و رفتاری اعراب پیشااسلامی دگردیس شدهٔ این نظام گفتمانی است. از سوی دیگر نقش دوسویه شیطان نیز بازتولیدی از منش باوری در روایت پیش‌گفته از تورات است.

۵. بودگی و کارکرد شیطان در روایتگری قرآن‌کریم

خداوند در نظام گفتمانی قرآن، در مرکز هستی قرار داشته و همه هستی آفریده او و در مرتبه بی‌نهایت پایین‌تر جای گرفته‌اند. حوزه معناشناختی قرآن نیز با محوریت الله بوده که

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

در بالای هرم مفاهیم جای گرفته و گستره آن بر همه میدان‌های معناشناختی است. در این راستا انسان، شیطان و آفرینش و ساحات وجودی، کارکرد و سرنوشت آنان با محور کانونی خدا تبیین می‌گردد. با این الگوی گفته شده روایت‌گری قرآن از شیطان از سامانه همگونی بهره دارد و در زیر هرم الله خوانش می‌گردد.

در این نظام گفتمانی آفریننده تنها خداوند است که همه هستی را آفریده «**هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا**» (البقره، ۲۹)و هر لحظه نعمت وجودی آفرینش را به آفریدگان افاضه می‌کند. قرآن‌کریم در روایتی خالقیت خود در هنگام خلقت آسمان و زمین بدون گواه شیطان بازنمایی می‌کند. «**مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا کُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّینَ عَضُدًا**». [من] آنان را نه در آفرینش آسمانها و زمین به شهادت طلبیدم و نه در آفرینش خودشان و من آن نیستم که گمراه‌گران را همکار خود بگیرم.(الکهف، ۵۱) در روایت‌گری قرآن همه موجودات سربازان خدا هستند. «**وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَکَانَ اللَّهُ عَزِیزًا حَکِیمًا**». و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا همواره شکست ناپذیر سنجیده کار است. (الفتح، ۴و۷)

در پنداشت قرآن‌کریم ویژگی و کارکرد شیطان با قالب همگونی روایت می‌شود. در این الگو شیطان با حسادت و تکبر، دشمنی پیوستار با آدمی دارد «**قَالَ مَا مَنَعَکَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُکَ قَالَ أَنَا خَیْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِی مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِینٍ**». فرمود چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از این که سجده کنی گفت من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی. (الاعراف، ۱۲) و بر خلاف روایت آغازین کتاب مقدس، محدودیت معرفتی شیطان با ناآگاهی از عالم غیب و امور نهانی هستی خوانش شده است. «**إِنَّا زَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْیَا بِزِینَةٍ الْکَوَاکِبِ وَحِفْظًا مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ مَارِدٍ لَا یَسَّمَّعُونَ إِلَی الْمَلَإِ الْأَعْلَی وَیُقْذَفُونَ مِنْ کُلِّ جَانِبٍ**». ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم [به طوری‌که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرادهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند.» (الصافات، ۶-۸)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

شیطان پس از نافرمانی و رانده شدن از بارگاه الهی از خداوند تا قیامت فرصت خواست «**قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ**». گفت مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده. فرمود تو از مهلت یافتگانی. (الاعراف، ۱۴–۱۵) و جایگاه پایانی وی و پیروانش در قیامت دوزخ خوانش گردید. «**فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا**». پس به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت سپس در حالی‌که به زانو درآمده‌اند آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد. (مریم، ۶۸)

در نظام اندیشهٔ قرآن، کنش‌گری شیطان در وسوسه آدمی پیوسته می‌باشد که فریفتگی و گردن نهادن به آن بندگی شیطان دانسته شد. «**وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا**». و هر کس به جای خدا شیطان را دوست [خدا] گیرد قطعا دستخوش زیان آشکاری شده است. (النساء، ۱۱۹) افزون بر آن شیطان با بهره‌گیری از اختیار، به جای گزینش راه درست و رستگاری، راه کفر و دشمنی با انسان را انتخاب نموده که رهنمون به دوزخ است. «**وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا**». و از میان ما برخی فرمانبردار و برخی از ما منحرفند پس کسانی که به فرمانند آنان در جستجوی راه درستند ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود. (جن، ۱۴–۱۵) «**وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا**». و آنچه را که شیطان[صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند. (البقره، ۱۰۲)

بنابر روایت قرآن شیطان دارای جنسیت بوده بسان آدمیان زایش دارد. «**أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا**». آیا [با این حال] او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید و حال آن که آنها دشمن شمایند و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند. (الکهف، ۵۰) و آفرینش آن‌ها قبل از آدمیان بوده است. «**وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ**». و پیش از آن جن را از آتشی سوزان و بی دود خلق کردیم. (الحجر، ۲۷)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

در پنداره قرآن شیطان از زوایای دید آدمی نهان بوده و تنها برگزیدگان الهی از آن آگاهند «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ». در حقیقت او و قبیله اش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید می‌بینند ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. (الاعراف، ۲۷) گرچه نسبت شیطان و پیامبران در ستیزه‌جویی است. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ». و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم بعضی از آنها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار. (الانعام، ۱۱۲)

در نظام باوری قرآن برخی از شیطان‌های در تسخیر آدمیان قرار می‌گیرند. «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ». و برخی از شیاطین بودند که برای او غواصی و کارهایی غیر از آن می‌کردند و ما مراقب [حال] آنها بودیم. (الانبیاء، ۸۲)

۶. هم‌سنجی و ارزیابی روایت شیطان در قرآن با رویکرد نقدی انگاره تورات

خداوند در نظام گفتمانی قرآن، در مرکز هستی بوده که آن را آفریده و هر لحظه نعمت وجودی آفرینش را به آفریدگان افاضه می‌کند (الاعراف، ۱۵۸؛ الفرقان،۲ و ۳) و آفریده‌ها در مرتبهٔ بی‌نهایت پایین‌تر جای دارند. (طبرسی، ۵۱/۷) در این الگو گستره حوزه معناشناختی قرآن با محوریت الله بوده و همه مفاهیم همبسته با آن تبیین می‌گردند. با چنین ساختاری، روایتگری قرآن از شیطان با محدویت معرفتی، ناآگاه از عالم غیب و امور نهانی که با کارکرد عصیانگری (مریم، ۴۴)، حسادت (الاعراف، ۲۷)، تکبر (ص، ۷۴)، وسوسه (طه/۱۲۰) و دشمنی پیوستار با آدمی (الاعراف، ۲۲؛ یوسف، ۵؛ الاسراء، ۵۳؛ الفاطر، ۶) معرفی گشته، از سامانه همگونی برخوردار است. این سنخ روایتگری قرآن برخلاف

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

روایت کتاب مقدس می‌باشد. مفهوم کاربستی شیطان در روایت‌گری تورات همگرا با مفهوم خدا دارای صورت‌بندی‌های ناهمسان عینی و انتزاعی است. روایتگری اسفار پنج گانه عهد عتیق از شیطان در قالب حیوانی آگاه، خردورز (پیدایش ۱/۳) و انسان‌وار که در پی خرد و معرفت آدمی (پیدایش ۵/۳) است و در عوض، خدا دشمن آدمی، که در پی فریب انسان و بازداری او از بی‌مرگی، دانش و معرفت است. (پیدایش ۲۲/۳و۲۳) تنخ در ادامه روایتگری خود سنخ ناهمسان دیگری از شیطان را بازنمون می‌کند. در این روایت شیطان افزون بر همنشینی و حضور در آسمان و در پیشگاه خداوند، درباره یکی از برگزیدگان با خدا مناظره می‌کند، (ایوب، ۶/۱–۸) سنخ روایی تورات در این روایتگری با دگرگونی در کارکرد شیطان او را به موجودی موذی و بداندیش که در پی بدخواهی آدمیان بازخوانش می باشد که یادآور نقش دوسویه ایزد انکی (از خدایان بین‌النهرینی) به صورت دور اندیش و تدبیرگری و گمراه کنندگی بازآفرینی می‌شود.

نتایج مقاله

۱. روایت‌گری تورات از شیطان با کارکرد دوسویه، افزون بر الوهیت و قدرت پنداری شیطان در دخالت در ساحات گفتاری و رفتاری آدمی و نیز بداندیشی و گمراه کنندگی بازنمایی از بینش دوگانه گرایی پسازرتشتی است. البته سنخ روایی تورات با تطوّری از کارکرد شیطان یادآور نقش دوسویه ایزد اِنکی در ماجرای طوفان است. کنش متضاد شیطان در روایت تورات به صورت دوراندیشی، تدبیرگری و گمراه‌کنندگی بازتولیدی از کهن روایت ایزد اِنکی میان‌رودانی است.

۲. روایت تورات از شیطان در سفر پیدایش در قالب مار و توصیف آن به ویژگی زیرکی و فریفتن حوا، نمایی از جانشینی شیطان در این روایتگری است. پژوهش‌های زبان‌شناسی و اسطوره‌شناسی نشان از آن دارد که مار با صورت‌بندی ناهمسان در دنیای اساطیری (هند و اروپایی، آریایی و میان‌رودانی) به‌گونهٔ موجودی فراطبیعی با شخصیت دوگانه وجود داشت.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

۳. قرآن در روایت‌گری خود از انگارۀ شیطان بـا دو رهیافـت پیشااسـلامی و اسـلامی رویارویی کرده است. شیطان در انگـاره پیشااسـلامی از ماهیـت اسـطوره‌ای در ذیـل رب الارباب‌پرستی خوانش شده است ولی در رهیافت قرآنی با محوریت توحید معنـای نـوینی از آن ارائه شده است.

۴. تبار شیطان در روایتگری تورات از ماهیت الوهی اساطیری بهـره داشـته و کـارکرد دوگانه او برای نظم زمینی در ذیل خدای برتر قابل خوانش است. اما تبار شیطان در قـرآن به عنوان آفریده خداوند و بهره‌منـد از صـفت اختیـار بـا کـارکرد همگـون (وسوسـه‌گـر، گمراه‌کننده،...) روایت شده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.

۳. ابن‌حزم اندلسی، محمدعلی‌بن‌سعید، جمهره أنساب‌العرب، تحقیق لیفی بروفنسال، مصر، دارالمعارف، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.

۴. ابن‌درید الأزدی، محمدبن‌حسن، الاشتقاق، عبدالسلام محمدهارون، بیروت: دارالجیل، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م.

۵. ابن‌درید، محمدبن‌حسن، جمهرة اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸م.

۶. ابن‌قتیبه، عبدالله‌بن‌مسلم، تأویل مشکل القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۳ق.

۷. ابن‌کثیر، ابی‌الفداءاسماعیل، البدایه و النهایه، تصحیح و تعلیق علی شیری، بیروت، دارالتراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۸. ابن‌ناقیا، عبدالله بن‌محمد، الجمان فی تشبیهات القرآن (ترجمه)، آستان قدس رضوی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۴ش.

۹. احمد امین، فجرالاسلام، قاهره، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۶۴م.

۱۰. احمدحسین، «تفسیر سوره الجن»، نشریه منبر الاسلام، ربیع الاول، سال۲۹، ش۳، صص۱۹-۲۷، ۱۳۹۱ق.

۱۱. ازهری، محمدبن‌احمد، تهذیب اللغه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

۱۲. اشتفان، فیلد، الاساس فی اللغه العربیه، ترجمه سعیدحسن بحیری، قاهره، مؤسسه المختار، ۲۰۰۲م.

۱۳. انس امیرکانی، جیمز، نظام التعلیم فی علم اللاهوت القویم، بیروت، الأمیرکان، ۱۸۸۸م.

۱۴. ایونس، ورونیکا، شناخت اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۳ش.

۱۵. آلستون و دیگران، ویلیام، دین و چشم‌اندازهای نو، ترجمه غلامحسین توکلی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۱۶. آلوسی، محمودشکری، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، بیروت، دارالعلمیه، بی‌تا.

۱۷. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ش.

۱۸. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵ش.

۱۹. بلاشر، رژی، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتاش آذرنوش، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.

۲۰. بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، تهران، چشمه، ۱۳۷۵ش.

۲۱. بهار، مهرداد، جستاری در فرهنگ ایران، به کوشش ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، اسطوره، ۱۳۸۶ش.

۲۲. پورداود، ابراهیم، یشت ها، ج۱و۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ش.

۲۳. پیر، آمیه، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.

۲۴. پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام، قم، نشر معارف، ۱۳۹۵ش.

۲۵. تاواراتانی، ناهوکو، «سمبل مار در متون کلاسیک فارسی»، متن پژوهی ادبی، پاییز، دوره۸، ش۲۱، صص۱۴۶-۱۶۰، ۱۳۸۳ش.

۲۶. تاواراتانی، ناهوکو، سمبل‌های جاودان در ادبیات فارسی و ژاپنی، تهران، نشر بهجت، ۱۳۸۶ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

۲۷. التبریزی، ابوزکریا، شرح دیوان الحماسه، کتابخانه دیجیتالی مدرسه فقاهت، بی‌تا.
۲۸. تیلیش، پ. الهیات فرهنگ، ترجمه: مراد فرهادپور و فضل الله پاکزاد، تهران: طرح نو، ۱۳۷۶ش.
۲۹. جاحظ، عمرو بن بحر محبوب، الحیوان، الطبعه الثانیه، بیروت، دارالکتب، ۱۴۲۵ق.
۳۰. جفری، آرتور، واژگان دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۲ش.
۳۱. حسینی، بی‌بی زینب، «رهیافتی زبان‌شناسانه به موضوع «مس شیطانی» در قرآن کریم»، آموزه قرآنی، پاییز و زمستان، ش۲۴، صص۵۵-۷۴، ۱۳۹۵ش.
۳۲. حموی بغدادی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵م.
۳۳. خزائلی، محمد؛ اعلام قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.
۳۴. دوبوکور، مونیک، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۷ش.
۳۵. دوستخواه، جلیل، اوستا (کهن‌ترین سروده‌های ایرانیان)، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۷ش.
۳۶. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۳۷. ژیران، ف. فرهنگ اساطیر آشور و بابل ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران، فکر روز، ۱۹۵۷م.
۳۸. ژیران، ف. لاکوئه، ک. دلاپورت، ل. فرهنگ اساطیر آشور و بابل، ترجمهٔ ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران، فکر روز، ۱۳۸۲ش.
۳۹. ژیلسون، ا. تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی، ترجمه: رضا گندمی نصرآبادی، تهران: سمت، ۱۳۸۹ش.
۴۰. شاله، ف. تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه: منوچهر خدایار محبی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش.
۴۱. شوالیه، ژان، فرهنگ نماده: اساطیر رویاها رسوم و... ترجمه و تحقیق سودابه فضایلی، تهران، جیحون، ۱۳۸۷ش.
۴۲. صادقی، هادی، نصرتی، شعبان، «الگوی تفکر قرآنی براساس معناشناسی همزمانی»، زمستان، ذهن، دوره۱۲، ش۴۸، صص۵-۲۸، ۱۳۹۱ش.
۴۳. طاهری، صدرالدین، ایزد بانوان در فرهنگ و اساطیر ایران و جهان، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۹۳ش.
۴۴. طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴۵. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۶. طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد، مجمع‌البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۴۷. عسگری، انسیه، «معناشناسی نوین از واژه شیطان»، پژوهش‌های قرآنی، بهار، سال۱۶، ش۶۴، صص۲۰۴-۲۱۹، ۱۳۸۹ش.
۴۸. فراء، یحیی‌بن‌زیاد، معانی القرآن (فراء)، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۸۰م.
۴۹. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۵۰. فرنبغ دادگی، بندهشن، مهرداد بهار، تهران، نشر توس، ۱۳۶۹ش.
۵۱. فروخ، عمر، تاریخ الادب العربی، بیروت، دارالعلم الملایین، ۲۰۰۶م.
۵۲. فوزی، خلیل عطوی، دیوان الاعشی، بیروت، دارصعب، ۱۹۸۰م.
۵۳. الفیومی، محمدابراهیم، تاریخ الفکرالدینی‌الجاهلی، الطبعه الرابعه، دارالفکر العربی، ۱۴۱۵ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

۵۴. فیروزآبادی، محمدبن‌یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵۵. القرشی، ابوزیدمحمدبن‌الخطاب، جمهره اشعارالعرب فی الجاهلیه و الاسلام، مصر، الناشر نهضه مصر، ۱۹۸۱م.
۵۶. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۵۷. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه جلال مینوی، تهران، سروش، ۱۳۷۵ش.
۵۸. کزازی، میرجلال الدین، مارهای راز (جستاری در شاهنامه)، تهران، مرکز، ۱۳۸۰ش.
۵۹. کلاپرمن، ژیلبرت و لیبی، تاریخ قوم یهود، ترجمه مسعود همتی، تهران، انجمن فرهنگی گنج، ۱۳۴۷ش.
۶۰. کمبل، جوزف، قدرت اسطوره، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۸۶ش.
۶۱. کویاچی، جی‌سی، اسطوره‌های ایران و چین، ترجمه کوشیار کریمی طاری، تهران، نسل نواندیش، ۱۳۷۸ش.
۶۲. گدار، آندره، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، انتشارات شهید بهشتی، ۱۳۷۷ش.
۶۳. گری، جان، اساطیر خاور نزدیک (بین‌النهرین)، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۸ش.
۶۴. گریمال، پی‌یر، اساطیر جهان، ترجمه مانی صالحی، تهران، مهاجر، ۱۳۸۷ش.
۶۵. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، قم، سینا، ۱۳۷۶ش.
۶۶. مرزآنی، آسیه، معماری، داود، «شیطان در آموزه‌های قرآن کریم و کتاب مقدس»، تفسیر پژوهی، پاییز و زمستان، سال۴، ش۸، صص ۸۸-۱۱۱، ۱۳۹۶ش.
۶۷. مظفری، علیرضا، زارعی، علی‌اصغر، «ضحاک و بین‌النهرین»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، زمستان، سال۹، ش۳۳، صص ۸۷-۱۱۵، ۱۳۹۲ش.
۶۸. المعری، ابوالعلاء، رساله الغفران، تصحیح ابراهیم الیازجی، الطبعه الاولی، مصر، مطبعض (امین هندیه) بالموسکی، ۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۷م.
۶۹. ممتحن، مهدی، ترابی، زینب، «تفاوت یا همسانی شیطان و ابلیس»، مطالعات قرآنی، زمستان، سال۳، ش۱۲، صص۱۲۳-۱۴۰، ۱۳۹۱ش.
۷۰. موسوی، مطهره، «اندیشه موثر در تاریخ مبلمان با نقش مایه مار در ایران»، نشریه معماری، زمستان، ش۲۴، صص۱۲۶-۱۳۱، ۱۳۸۹ش.
۷۱. موله، م، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، توس، ۱۳۷۷ش.
۷۲. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ش.
۷۳. نصرتی، شعبان و صادقی هادی، «الگوی تفکر قرآنی براساس معناشناسی همزمانی»، ذهن، زمستان، ش ۴۸، صص ۵-۲۸، ۱۳۹۰ش.
۸۴. وکیلی، الهه، «ویژگی‌های خلقت جن از منظر قرآن»، اندیشه نوین دینی، زمستان، ش۱۱، صص۱۰۱-۱۲۵، ۱۳۸۶ش.
۸۵. ویو، ژ، اساطیر مصر، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، کاروان، ۱۳۸۱ش.
۸۶. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۹۴ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]

۸۷. هنری هوک، س. اساطیر خاورمیانه، ترجمه علی‌اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۲ش.

۸۸. هوردرن، ویلیام، راهنمای الهیات پروتستان، طاطه میکائیلیان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ش.

۸۹. هینتس، والتر، دنیای گمشده ایلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ش.

۹۰. الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش، ۱۳۸۵ش.

۹۱. یسنا، گزارش ابراهیم پورداود، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، انجمن ایران شناسی، ۱۳۳۷ش.

۹۲. یشت‌ها، گزارش ابراهیم پور داود، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ش.

۹۳. یعقوبیان، محمدحسین، «بررسی تطبیقی تصویر شیطان در ادیان الهی»، معرفت ادیان، بهار، سال۶، دوره پیاپی۲۲، صص۵۷-۷۴، ۱۳۹۴ش.

94. Lovejoy, Arthur, O. "The Great Chain of Being A Study of the History of an Idea", The William James Lectures Delivered at Hrvard University, 1936.

95. Bartholomae, Ch. Altiranisches Worterbuch, Strassburg, 1961.

96. Campo, Juan Eduardo, "Satan, Encyclopedia of Islam," New York City: Infobase Publishing, pp. 603-604, 2009.

97. Elgood, Heather, "Hinduism and the Religious Arts," Cassel, London, 2000.

98. Kelly, Henry Ansgar, Satan: A Biography, Cambridge, England: Cambridge University Press, 2006.

99. Monier, Williams, Snaskrit- English Dictionary, Oxford press, 1976.

100. Thorklid, Jacobsen, "The Battle between Marduk and Tiamat, Journal of the American" Oriental socity, No 88, pp. 104-108, 1968.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.4.0]